فوتبال ساحلی

پنج برد متوالی
۴۲ گل زده و صعود مقتدرانه به فینال

عکس یوزهای ایرانی روی جام



مجتبی حسین مرشدی/ تیم ملی فوتبال ساحلی ایران با عبور مقتدرانه از رقبای خود در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۶ تایلند به فینال این رقابت‌ها راه یافت و سهمیه حضور در جام جهانی را نیز به دست آورد. شاگردان علی نادری که از ابتدای مسابقات نمایش درخشانی در فاز هجومی داشتند، با پیروزی پرگل مقابل لبنان در مرحله نیمه‌نهایی، بار دیگر قدرت خود را در فوتبال ساحلی قاره آسیا به نمایش گذاشتند و حالا تنها یک گام تا کسب عنوان قهرمانی فاصله دارند.

ساحلی‌بازان ایران رقابت‌های خود را با پیروزی ۹بر۲ مقابل افغانستان آغاز کردند. نمایشی که نشانه‌های آمادگی بالای تیم ملی و قدرت خط حمله آن را به همراه داشت. ملی‌پوشان در دومین مسابقه نیز برابر ویتنام به میدان رفتند و با پیروزی ۱۰بر۲، دومین برد پرگل خود را جشن گرفتند. ایران در آخرین دیدار مرحله گروهی مقابل لبنان قرار گرفت و با برتری ۷بر۲، مرحله اول را با ۳پیروزی متوالی و صدرنشینی در گروه به پایان رساند.

ثبت ۲۶گل زده در ۳مسابقه مرحله گروهی، بیانگر توانایی بالای بازیکنان ایران در خلق موقعیت و استفاده از فرصت‌های گلزنی بود. در کنار این آمار هجومی، دریافت تنها ۶گل نیز نشان می‌داد که تیم ملی در ساختار دفاعی عملکرد قابل قبولی داشته و توانسته است میان حمله و دفاع تعادل مناسبی برقرار کند.

ایران در مرحله یک‌چهارم نهایی با عربستان روبه‌رو شد؛ مسابقه‌ای که می‌توانست آزمونی جدی‌تر برای شاگردان نادری باشد. با این حال، ملی‌پوشان با ارائه نمایشی حساب‌شده و برتری ۶بر۰صفر، بدون دریافت گل به مرحله نیمه‌نهایی رسیدند. این پیروزی نشان داد که قدرت تیم ملی تنها به خط حمله محدود نمی‌شود و بازیکنان در بخش دفاعی نیز از انسجام و هماهنگی مناسبی برخوردارند.

لبنان، حریف ایران در نیمه‌نهایی، پس از پیروزی مقابل بحرین به این مرحله رسیده بود؛ اما تقابل دوباره دو تیم با نتیجه‌ای متفاوت از مسابقه مرحله گروهی همراه شد. ایران این بار با برتری ۱۰بر۲ حریف خود را شکست داد و جواز حضور در فینال را به دست آورد. محمد معصومی‌زاده با ثبت ۳گل، بهترین گلزن ایران در این مسابقه بود و موحد محمدپور نیز دو بار دروازه لبنان را باز کرد. داود شکری، محمدعلی مختاری، سیدعلی ناظم، علی میرشکاری و رضا دیری دیگر گلزنان ایران بودند.

آمار ۵مسابقه ایران تا پیش از فینال، تصویری روشن از برتری این تیم ارائه می‌دهد؛ پنج پیروزی متوالی، ۴۲گل زده و تنها ۸گل خورده. چنین آماری نشان‌دهنده قدرت هجومی قابل توجه و ثبات نسبی تیم ملی در مسیر رسیدن به دیدار پایانی است. صعود به فینال، حضور ایران در جام جهانی فوتبال ساحلی ۲۰۲۷ را نیز قطعی کرده و یکی از اهداف مهم تیم ملی در این رقابت‌ها محقق شده است.

اکنون ساحلی‌بازان ایران باید در فینال به مصاف ژاپنی بروند که در نیمه نهایی عمان را با نتیجه‌ای پر گل شکست داد تا حریف ایران در بازی پایانی شود. فرصتی که می‌تواند با قهرمانی در آسیا تکمیل شود. تیم ملی در ۵مسابقه گذشته نشان داده است از ظرفیت فنی و توانایی لازم برای رسیدن به این هدف برخوردار است.

خبر

قرقیزستان و چین، میزبانان جام ملت‌های فوتسال و فوتبال ساحلی

کمیته فوتسال و فوتبال ساحلی کنفدراسیون فوتبال آسیا در چهارمین نشست خود در فانگ‌نگای تایلند، فهرست پیشنهادی فدراسیون‌های میزبان آینده را معرفی و نقشه‌راهی روشن برای رقابت‌های شاخص فوتسال قاره ترسیم کرد. این نشست در آستانه فینال جام ملت‌های فوتبال ساحلی آسیا (تایلند ۲۰۲۶) برگزار شد و مهدی تاج، نایب‌رئیس ایرانی کنفدراسیون و رئیس کمیته فوتسال و فوتبال ساحلی AFC، از فدراسیون فوتبال تایلند به‌خاطر توانایی‌های برجسته‌اش در میزبانی عمیقاً قدردانی کرد و به ۴تیم شایسته حضور در نیمه‌نهایی صمیمانه‌ترین تبریک‌ها را گفت.

پس از ارزیابی دقیق پیشنهادهای ارسال‌شده، فدراسیون فوتبال قرقیزستان (KFU) به‌عنوان میزبان جام ملت‌های فوتسال آسیا ۲۰۲۸ AFC برگزیده شد و فدراسیون فوتبال چین نیز میزبانی دوره ۲۰۳۰ را به دست آورد. چین همچنین میزبان برترین استعدادهای فوتسال بانوان قاره خواهد بود؛ بر این اساس، کمیته میزبانی جام ملت‌های فوتسال زنان آسیا ۲۰۲۸ AFC را به فدراسیون فوتبال چین واگذار کرد.

کمیته فوتسال و فوتبال ساحلی AFC در این جلسه گزارش‌های جامعی درباره رشد سریع داوران آسیایی دریافت کرد. از مهم‌ترین دستاوردهای مطرح‌شده می‌توان به برگزاری موفق سمینار داوران نخبه فوتسال ۲۰۲۶ AFC، سمینار داوران فوتبال ساحلی ۲۰۲۶ AFC و دوره صدور گواهینامه مدرسان داوری ۲۰۲۶ AFC اشاره کرد. افزون بر این، گزارشی درباره روند پیشرفت اولین گروه شرکت‌کنندگان در آکادمی نخبه داوری AFC نیز به کمیته ارائه شد.

سرمربی امیدها از یزد تا سیرجان، همچنان خبری از کادرفنی بزرگسالان در استادیوم‌ها نیست

تور استعدادیابی یحیی در لیگ برتر

گزارش یک

سیناحسینی
خبرنگار

فوتبال ایران برای ساختن آینده‌ای قدرتمند، بیش از هر چیز به استعدادیابی مستمر و شناسایی بازیکنانی نیاز دارد که بتوانند در سال‌های پیش‌رو پیراهن تیم‌های ملی را برتن کنند. در این میان، برنامه‌ای که یحیی گل‌محمدی از زمان پذیرش هدایت تیم ملی امید در پیش گرفته، توجه‌برانگیز است؛ رویکردی که در کنار اهمیت آن برای آینده فوتبال کشور، تفاوت نگاه دو تیم ملی به مسابقات باشگاهی را نیز به تصویر می‌کشد. در شرایطی که سرمربی امیدها و دستیارانش برای تماشای مسابقات به ورزشگاه‌های مختلف سفر می‌کنند، حضور کادرفنی تیم ملی بزرگسالان در سکوهای لیگ برتر چندان محسوس نیست؛ موضوعی که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت.

گل‌محمدی از ابتدای مسئولیت خود تلاش کرده است دایره انتخاب بازیکنان را به نام‌های شناخته‌شده و باشگاه‌های بزرگ محدود نکند. حضور او و دستیارانش در مسابقات لیگ برتر، لیگ دسته اول و رقابت‌های رده امیدها نشان می‌دهد که استعدادیابی به یکی از برنامه‌های جدی کادرفنی تبدیل شده است. هدف نیز روشن است؛ شناسایی بازیکنان مستعد زیر ۲۳ سال و فراهم کردن فرصت حضور آنها در اردوهای آینده تیم ملی امید.

نخستین ایستگاه این برنامه در هفته چهاردهم لیگ برتر، ورزشگاه شهید نصیری یزد بود؛ جایی که گل‌محمدی روز پنجشنبه پنجم آذرماه دیدار چادرملوی اردکان و مس شهربابک را از نزدیک تماشا کرد. پس از آن نیز مأموریت رصد مسابقات میان دستیاران او تقسیم شد تا بازی‌های بیشتری زیر نظر کادرفنی قرار بگیرد.

سیدجلال حسینی روز گذشته دیدار آلومینیوم اراک و پرسپولیس را در ورزشگاه امام خمینی(ره) اراک تماشا کرد و محمد عسگری نیز در ورزشگاه پاس تهران، عملکرد بازیکنان پیکان و فولاد خوزستان را زیر نظر گرفت. در ادامه این برنامه، مصطفی صداقت امروز، شنبه هفتم آذرماه، دیدار استقلال و صنعت نفت آبادان را از ساعت ۱۷:۱۵ در ورزشگاه شهدای شهرقدس تماشا می‌کند. او همچنین روز دوشنبه نهم آذرماه، همراه با عماد مهاجری در ورزشگاه شهیدسلیمانی سیرجان حاضر خواهد شد تا مسابقه گل‌گهر و فجر شهیدسپاسی را از ساعت ۱۶:۱۵ دنبال کند.

تقسیم مأموریت میان اعضای کادرفنی امکان بررسی تعداد بیشتری از بازیکنان و شناخت ظرفیت‌های فوتبال کشور را فراهم می‌کند. نکته مهم‌تر، پیامی است که این حضور به فوتبالیست‌های جوان می‌دهد؛ اینکه برای رسیدن به تیم ملی، نام باشگاه و شهرت بازیکن تعیین‌کننده نیست و عملکرد در زمین مسابقه می‌تواند مسیر دعوت به اردو را هموار کند.

> تقسیم مأموریت میان اعضای کادرفنی امکان بررسی تعداد بیشتری از بازیکنان و شناخت ظرفیت‌های فوتبال کشور را فراهم می‌کند. نکته مهم‌تر پیامی است که این حضور به فوتبالیست‌های جوان می‌دهد؛ اینکه برای رسیدن به تیم ملی، نام باشگاه و شهرت بازیکن تعیین‌کننده نیست

با این حال، مقایسه این رویکرد با وضعیت تیم ملی بزرگسالان پرسش مهمی را پیش می‌کشد. تیمی که ویترین فوتبال کشور محسوب می‌شود نیز برای حفظ کیفیت و افزایش قدرت انتخاب خود به رصد مستمر مسابقات باشگاهی نیاز دارد. بدون تردید، مسئولیت‌ها و برنامه‌های آماده‌سازی دو تیم متفاوت است، اما این تفاوت نمی‌تواند اهمیت ارتباط مستقیم کادرفنی بزرگسالان با لیگ برتر را کمرنگ کند.

شاید بازیکنی که امروز در یکی از تیم‌های کمتر شناخته شده لیگ برتر فرصت درخشش پیدا می‌کند، فردا به مهره‌ای تأثیرگذار در تیم ملی بزرگسالان تبدیل شود. بنابراین، حضور در ورزشگاه‌ها نباید صرفاً به مأموریت تیم امید محدود بماند. گل‌محمدی و دستیارانش با این برنامه نشان داده‌اند که برای کشف استعدادها باید به دل فوتبال رفت؛ رویکردی که انتظار می‌رود در تیم ملی بزرگسالان نیز جدی‌تر دنبال شود. سؤال همچنان باقی است؛ وقتی امیدها برای دیدن استعدادها به ورزشگاه می‌روند، چرا حضور بزرگسالان در این مسیر تا این اندازه کمرنگ است؟



عکس: باشگاه چادرملو

از جشن صعود تاریخی تا روزهای سخت بقا در بوندس‌لیگای ۲

مأموریت آلمانی زندی؛ اعتماد بدون شرط



مرتضی طهوری/ فریدون زندی در فوتبال آلمان وارد فصل تازه‌ای از دوران مربیگری‌اش شده؛ فصلی که شاید مهم‌ترین دستاوردش تا اینجا، اعتمادی باشد که مدیران اوسنابروک به او نشان داده‌اند.

باشگاه آلمانی روز سه‌شنبه ۲۴ نوامبر، تمدید قرارداد این مربی ایرانی و تیمو شولتس، سرمربی تیم را رسماً اعلام کرد؛ توافقی که یک روز پیش از آن نهایی شده بود و خبرش در مجمع عمومی سالانه باشگاه، با استقبال اعضا همراه شد.

نکته قابل توجه اینکه قراردادهای جدید به جایگاه اوسنابروک در پایان فصل وابسته نیست و حتی در صورت سقوط به لیگ پایین‌تر نیز اعتبار خواهند داشت.

زندی تابستان ۲۰۲۵ به کادرفنی شولتس اضافه شد تا در کنار دانیال داوری، بخشی از پروژه بازسازی اوسنابروک باشد. همکاری این مجموعه خیلی زود به نتیجه‌ای تاریخی رسید؛ صعود به بوندس‌لیگای ۲ پس از فصلی درخشان که با ۸۰ امتیاز و جشن‌های فراموش‌نشدنی همراه شد. زندی پیش از این تجربه دستیاری در تیم دوم سن‌پائولی و فعالیت در دینامو درسدن و فوتبال قطر را در کارنامه داشت.

البته بازگشت به سطح دوم فوتبال آلمان برای اوسنابروک چندان آسان پیش نرفته است. جدایی ۱۴بازیکن در تابستان و تغییرات گسترده ترکیب، کار را برای کادرفنی دشوار کرد. این تیم در ۱۲مسابقه ابتدایی فصل، ۳پیروزی، ۳تساوی و ۶شکست به دست آورد و با ۱۲ امتیاز در رتبه دوازدهم ایستاد. شکست ۴بریک مقابل بایرن مونیخ در جام حذفی و دبل هری کین نیز یکی از تجربه‌های متفاوت این فصل برای زندی و شاگردانش بود.

اما مدیران باشگاه عملکرد کادرفنی را فراتر از نتایج مقطعی ارزیابی کرده‌اند. جو اینوکس و دانیل لاتکوفسکی، ثبات، نظم تمرینی، پرورش بازیکنان و ساختن یک پروژه بلندمدت را از دلایل تمدید قرارداد عنوان کرده‌اند. زندی نیز از فضای باشگاه و هماهنگی مجموعه فنی ابراز رضایت کرده و گفته است از همان روز اول احساس کرده اتفاق مهمی در اوسنابروک در حال شکل‌گیری است.

حالا مأموریت اصلی، شکستن طلسم سقوط‌های پیاپی اوسنابروک پس از صعود به دسته بالاتر است. باشگاهی که پیش‌تر چندین بار نتوانسته در سطح جدید دوام بیاورد، این بار با تکیه بر کادرفنی خود به‌دنبال تثبیت جایگاهش است. برای فریدون زندی، این تمدید قرارداد فراتر از یک توافق شغلی است؛ فرصتی برای اثبات توانایی‌های مربیگری در فوتبال آلمان و تبدیل اعتماد مدیران به یک موفقیت ماندگار.

مدیران فوتبال عراق قید سرمربی ایرانی را نمی‌زنند

کودتای نافرجام علیه منصوریان

حامد حسینی/ انتشار خبر اخراج علیرضا منصوریان از خاک عراق، بار دیگر نشان داد که چگونه برخی رسانه‌ها بدون اتکا به اطلاعات معتبر و مستند، می‌توانند یک ادعای جنجالی را به تیتر اصلی اخبار ورزشی تبدیل کنند؛ خبری که خیلی زود با واکنش رسمی وزارت کشور عراق و باشگاه الزورا مواجه شد و اعتبار آن زیر سؤال رفت.

صبح روز پنجشنبه وبسایت «یلا کورا» مدعی شد سرمربی ایرانی الزورا به دلیل مشکلات مربوط به مدارک سفر و وضعیت اقامت خود، از سوی وزارت کشور عراق ۴۸ساعت برای ترک این کشور مهلت گرفته است. در گزارش این رسانه ادعا شده بود گذرنامه منصوریان حدود ۵سال اعتبار نداشته و او با برگه عبور وارد عراق شده است؛ موضوعی که به ادعای منتشرکنندگان خبر، امکان اقامت و فعالیت قانونی او را با چالش مواجه کرده بود.

طرح چنین ادعایی، آن هم درباره سرمربی یک باشگاه شناخته شده عراقی، بدون ارائه اسناد روشن و منابع قابل راستی‌آزمایی، پرسش‌های جدی درباره شیوه عملکرد رسانه منتشرکننده ایجاد می‌کند. انتشار خبری با چنین ابعادی، پیش از بررسی صحت اطلاعات، می‌تواند به اعتبار حرفه‌ای افراد و وجهه یک باشگاه ورزشی لطمه وارد کند.

با این حال، وزارت کشور عراق و باشگاه الزورا این ادعا را به‌صراحت تکذیب کردند. منصوریان نیز، خبر اخراج خود را رد کرد تا مشخص شود ادعای مطرح‌شده با واکنش منفی طرف‌های اصلی ماجرا روبه‌رو شده است.

واکنش باشگاه الزورا تنها به یک تکذیبیه کوتاه محدود نماند. هیأت‌مدیره این باشگاه در بیانیه‌ای صریح، انتشار مطالب توهین‌آمیز و فاقد اعتبار را محکوم کرد و آن را اقدامی علیه اعتبار باشگاه، کرامت سرمربی و حتی جایگاه نهادهای رسمی عراق دانست. الزورا همچنین از هیأت رسانه و ارتباطات عراق خواست با استفاده از اختیارات نظارتی خود، عوامل انتشار و ترویج این ادعاها را پاسخگو کند.



باشگاه عراقی در ادامه تأکید کرد که برای دفاع از اعتبار خود و منصوریان، پیگیری‌های حقوقی و قضایی را در دستور کار قرار خواهد داد و در صورت لزوم علیه افراد و رسانه‌های دخیل شکایت رسمی مطرح می‌کند.

نکته قابل تأمل در این ماجرا، سرعت انتشار یک ادعای تأییدنشده و گستردگی بازتاب آن است. رسانه‌ای که خود را متعهد به اطلاع‌رسانی می‌داند، نمی‌تواند دقت و راستی‌آزمایی را قربانی جذابیت یک تیتر جنجالی کند. هزینه چنین رویکردی تنها متوجه فرد یا باشگاه مورد اشاره نیست؛ بلکه اعتماد مخاطبان به رسانه‌های ورزشی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتشار خبر بدون سند، آسان است؛ اما بازگرداندن اعتباری که با یک ادعای نادرست خدشه‌دار می‌شود، به‌مراتب دشوارتر خواهد بود.

شایعه جانشینی هری کین پس از انتخاب جنجالی الوصل

بایرن در خیال، الوصل در واقعیت

سوژه

محسن ذاکری
خبرنگار

مصدومیت طولانی‌مدت هری کین، مهاجم انگلیسی و برنده توپ طلای ۲۰۲۶، بار دیگر موضوع تقویت خط حمله بایرن‌مونیخ را به یکی از سوژه‌های رسانه‌ای فوتبال اروپا تبدیل کرده است؛ موضوعی که در روزهای اخیر با انتشار نام مهدی طارمی، مهاجم ایرانی الوصل امارات، رنگ‌وبوی عجیبی به خود گرفته است.

کین در جریان دیدار بایرن‌مونیخ مقابل کلن از ناحیه رباط مچ پای چپ دچار آسیب‌دیدگی شد و پس از انجام عمل جراحی، طبق برآوردها ۳ تا ۴ ماه از میادین دور خواهد بود. غیبت این مهاجم تأثیرگذار، در کنار مصدومیت تعدادی دیگر از بازیکنان هجومی بایرن، شرایط دشواری برای وینسنت کمپانی ایجاد کرده است.

در چنین شرایطی، برخی رسانه‌های ایرانی با استناد به ادعای منتسب به رسانه‌ای با عنوان «اسپورت عرب»، نام مهدی طارمی را به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی و کم‌هزینه بایرن‌مونیخ مطرح کرده‌اند. ادعایی که در نگاه نخست می‌تواند برای فوتبال ایران جذاب باشد، اما بررسی منابع معتبر آلمانی و اروپایی نشان می‌دهد هیچ گزارش مستقلی درباره مذاکره یا حتی قرارگرفتن نام مهاجم ایرانی در فهرست خرید باشگاه منتشر نشده است.

نکته قابل توجه، موضع مدیران بایرن‌مونیخ درباره نقل‌وانتقالات زمستانی است. کریستوف فروبند، مدیر ورزشی این باشگاه، ۲۵ نوامبر اعلام کرد که برنامه‌ای برای خرید بزرگ در پنجره زمستانی وجود ندارد و مدیران امیدوارند با بازگشت تدریجی بازیکنان مصدوم، شرایط ترکیب تیم بهبود پیدا کند. مکس ابرل نیز احتمال تقویت تیم را به بررسی شرایط و تناسب بازیکن با نیازهای باشگاه منوط کرده است.

اما نام طارمی در این میان پرسش‌های بیشتری ایجاد می‌کند. مهاجمی که پس از تجربه حضور در پورتو، اینتر و المپیاکوس، تابستان ۲۰۲۶ راهی الوصل امارات شد، اکنون در مسیری متفاوت از فوتبال سطح اول اروپا قرار گرفته است. انتخاب الوصل برای ادامه دوران حرفه‌ای، شاید از نظر اقتصادی و شرایط قراردادی تصمیمی قابل درک باشد، اما از نظر ورزشی نمی‌توان پیامدهای چنین انتخابی را نادیده گرفت.

حضور در فوتبال امارات، با وجود امکانات مالی و شرایط حرفه‌ای برخی باشگاه‌ها، لزوماً نمی‌تواند همان سطح رقابت، فشار تاکتیکی و کیفیت مسابقات فوتبال اروپا را برای یک مهاجم فراهم کند. طارمی در ۳۴سالگی به مرحله‌ای از دوران حرفه‌ای رسیده که حفظ آمادگی، استمرار درخشش و حضور در سطح بالای رقابت‌های باشگاهی اهمیت دوچندانی دارد. دورشدن از فوتبال اروپا، ممکن است بازگشت به سطح اول این قاره را دشوارتر کند.

از سوی دیگر، جانشینی بازیکنی مانند هری کین در باشگاهی با استانداردهای بایرن‌مونیخ، تنها به تجربه و هزینه انتقال محدود نمی‌شود. چنین جایگاهی نیازمند آمادگی بدنی، کیفیت فنی، هماهنگی تاکتیکی و توانایی رقابت در بالاترین سطح فوتبال است؛ معیارهایی که باید درباره هر گزینه احتمالی به‌دقت ارزیابی شوند. آیا طارمی واقعاً به بایرن‌مونیخ نزدیک شده است؟ پاسخ فعلی منفی است. نه مذاکره‌ای تأیید شده، نه پیشنهاد رسمی منتشر شده و نه منبع معتبر آلمانی این انتقال را گزارش کرده است. تا زمانی که شواهد قابل اتکایی ارائه نشود، مطرح‌کردن نام طارمی در کنار بایرن‌مونیخ بیشتر یک گمانه‌زنی رسانه‌ای است تا خبری دارای پشتوانه.



شاید جذابیت نام بایرن‌مونیخ برای هواداران ایرانی قابل درک باشد، اما پرسش اصلی همچنان پابرجاست؛ آیا طارمی با انتخاب الوصل، بخشی از فرصت‌های ورزشی خود برای ماندن در سطح اول فوتبال اروپا را از دست نداده است؟